



اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دورهٔ پهلوی دوم

صورت جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز» (جلد اول)

www.ketab.ir

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور
مرکز پژوهش و اسناد



خانه کتاب

اسفند ۱۳۹۱

سرمشناسه: صدری، بهنام، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی دوم: صورت جلسات « کمیسیون بررسی مسائل روز »
معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور. مرکز پژوهش و اسناد: به کوشش بهنام صدری، علیرضا اسماعیلی؛

زیر نظر شهریار مرادی دهقی و محمد شیخان.

مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: ۲ ج.

فروست: خانه کتاب: ۳۴۴ مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری: ۱۸.

شابک دوره: ۳-۱۰۶-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۱. ۹-۱۰۴-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۲. ۶-۱۰۵-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

موضوع: سیاست - فرهنگی - ایران - تاریخ - ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

موضوع: ایران - زندگی فرهنگی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

موضوع: ایران - اوضاع اجتماعی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

شناسه افزوده: اسماعیلی، علیرضا ۱۳۳۸

شناسه افزوده: مرادی دهقی، شهریار ۱۳۳۸ شناسه افزوده: شیخان، محمد، ۱۳۵۵

شناسه افزوده: ایران. ریاست جمهوری. مرکز پژوهش و اسناد

شناسه افزوده: ایران. ریاست جمهوری. دفتر رئیس جمهور. معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱/۵ کتاب ۱/۵ DSP ۱۳۷۵

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۰۸۵۷۸۸



مرکز پژوهش و اسناد
ریاست جمهوری

۱۸



خانه کتاب

۳۴۴

نام اثر: اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی دوم

صورت جلسات « کمیسیون بررسی مسائل روز » (جلد اول)

زیر نظر: شهریار مرادی دهقی و محمد شیخان

به کوشش: کارشناسان مدیریت اسناد (بهنام صدری و علیرضا اسماعیلی)

هماهنگی: هوشنگ نصیرزاده

نمایه: حشمت‌الله سلیمی

ناشر: خانه کتاب

صفحه‌آرا: مزگان زرین صدف

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - اسفند ۱۳۹۱

قیمت دوره: ۳۸۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹-۱۰۴-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

لیتوگرافی، چاپخانه: چاپ سروش

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰ تلفن: ۸۸۳۴۲۹۸۵

فهرست

ژ
د
۱
۱۱۳۹
۱۱۵۷

پیشگفتار
مقدمه
اسناد
تصویر نمونه اسناد
نمایه

www.ketab.ir

پیشگفتار

رسانه در دنیای جدید ابزاری برای اعمال قدرت و انتقال مفاهیم به جامعه است. با تنوع ابزارهای رسانه‌ای نسبت به گذشته، راه‌های کنترل و استفاده از انواع رسانه نیز پیچیده‌تر شده است. اگر روزگاری کتاب تنها رسانه موجود بود، با افزوده شدن روزنامه و پس از آن رادیو و تلویزیون و نیز توسعه صنعت چاپ و به تبع آن افزایش شمارگان کتاب و تنوع موضوعات، کنترل تمامی این رسانه‌ها بر مصایب سیاستگزاران فرهنگی - اجتماعی جدا از جامعه افزود. سانسور روزنامه در ایران از همان بدو ورود این رسانه همچون هم‌رادی برای آن پدید آمد. به طوری که اداره انطباعات ناصری مهم‌ترین وظیفه‌اش رصد و کنترل مطبوعات انگشت‌شمار آن روزگار بود. با ورود رسانه مدرنی چون رادیو این کنترل سخت‌تر و پیچیده‌تر شد. چراکه امواج کنترل‌ناشدنی‌تر می‌نمودند. بی‌جهت نبود که رضاشاه در موافقت با تأسیس رادیو مردد بود.

با فرا رسیدن شهریور ۱۳۲۰ و خروج دیکتاتور از کشور، ایجاد فضای باز سیاسی بالتبع بر رسانه‌ها نیز تأثیرگذار بود. در سایه چنین وضعیتی علاوه بر آن که مطبوعات با سلاقی و عقاید گوناگون منتشر شدند، رادیو هم از انحصار سابق خارج و برخی از نیروهای اجتماعی از جمله مذهب‌یون در آن صاحب تریبون گردیدند. کودتای ۲۸ مرداد اما پایان چنین دوره‌ای نبود. با این همه، فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی روزنه‌ای برای ابراز وجود مخالفان رژیم پهلوی پس از کودتا بود. بخشی از این فعالیت‌ها در پناه سازمان‌ها و نهادهای دینی صورت می‌گرفت؛ نهادهایی که اتصال ناگسستگی با اکثریت مذهبی جامعه داشتند. اهداف بخشی از سیاست‌های رژیم تحت عنوان انقلاب سفید هم در محدود کردن یا حذف این نهادها بود. سیاستی که منجر به رویارویی نهاد روحانیت و نهاد سلطنت شد. نقطه اوج این رویارویی سرکوب خونین جنبش مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) بود.

سرکوب جنبش موجب شکاف عمیق حاکمیت با اکثریت توده‌های مذهبی گردید. شکافی که هرچند در سایه تبلیغات دروغین پوشانده می‌شد، اما همواره اصلی‌ترین نگرانی رژیم پهلوی از

افزایش آن بود. از جمله بزنگاههایی که این نگرانی را دامن زد، جنگ شش‌روزه اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ است که در سالگرد قیام پانزدهم خرداد شعله برکشید. در نظر سیاست‌گزاران رژیم، این جنگ می‌توانست بهانه‌ای برای تجدید فعالیت نیروهای مخالف، بسوی مذهب‌یون باشد. از همین رو کمیته یا ستادی با عنوان «اطلاعات و تبلیغات» با هدف کنترل افکار عمومی تشکیل شد تا از بروز حوادثی در سایه اخبار جنگ جلوگیری شود. این ستاد هرچند در نظر دولتی‌ها وظیفه‌ای پیشگیرانه داشت، اما در باطن در همان مسیر سرکوب، سانسور و بی‌توجهی به خواسته‌های ملی بود. نکته آنکه ادامه حیات این کمیته پس از پایان جنگ شش‌روزه حکایت از اذعان رژیم به عمیق بودن بحران در جامعه دارد. بطوری که بعدها، این کمیته با تغییر نام به «کمیسیون بررسی مسائل روز» وظیفه‌ای فراتر از هدف تأسیس اولیه خود برعهده گرفت. آنچه از متن صورت‌جلسات این کمیسیون برمی‌آید، ورود کمیسیون به مسائل گوناگون فرهنگی و اجتماعی و اعمال سانسور شدید بر روند اطلاع‌رسانی در جامعه است. بر همین مبنا کمیسیون، رسانه را ابزاری برای توجیه سیاست‌های رژیم می‌خواست. نگاهی که موجب نادیده انگاشتن دغدغه‌ها و مطالبات رو به فزونی جامعه در جنبه‌های گوناگون می‌شد. کمیسیون به هر انتقادی از دریچه مخالفت سیاسی می‌نگریست و این خود مقدمه‌ای بر تفاوت جریان وقایع در لایه‌های ظاهری اجتماع با زیرپوست آن بود. نتیجه چنین روندی آن شد که بی‌اعتمادی به رسانه‌های تحت نظارت رژیم پهلوی فراگیر شد و آنچه بایستی، دیده نشد. نهایت آنکه کمیسیون در انجام وظیفه خود ناکام ماند. «کمیسیون بررسی مسائل روز» نه تنها در اقناع افکار عمومی توفیق نیافت که در پیشگیری از مخالفت‌ها و بی‌اثرساختن فعالیت‌های تبلیغی مخالفان هم با شکست مواجه شد. کتاب حاضر با انتشار صورت‌جلسات این کمیسیون تصویری کامل از سیاست‌گذاری فرهنگی - اجتماعی رژیم پهلوی در بهه‌های خاص را ارائه می‌دهد. تصویری که روشنگر اعمال سانسور بر جزئی‌ترین امور و جدال‌اندازی کارگزاران رژیم از واقعیت‌های جامعه است. به آن امید که انتشار این مجموعه در مطالعات و تحقیقات محققان و پژوهشگران فرهنگی، اجتماعی و مسائل تاریخ معاصر ایران راهگشا و مفید باشد. چشم آن داریم که خوانندگان محترم با نظریات انتقادی خود ما را در ادامه مسیرمان راهنما باشند.

محمد شیخان

سرپرست معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی

دفتر رئیس جمهور

مقدمه

جنگ شش‌روزه اعراب و رژیم اشغالگر قدس در پنجم ژوئن ۱۹۶۷ برابر با پانزدهم خرداد ۱۳۴۶ نه‌تنها بر جهان و منطقه تأثیر گذاشت، حتی سیاست داخلی ایران هم از آن بی‌نصیب نماند. چهار سال پیش از آن در همین روز جنبش اعتراضی مردم ایران علیه رژیم پهلوی سرکوب شده بود. جنبشی که در رأس آن مرجع دینی عظیم‌السلطنه، یعنی حضرت امام خمینی (ره)، قرار داشت. سرکوب خونین توده‌های مذهبی در پایتخت و شهر مذهبی قم در ماه محرم، شکافی عمیق میان حکومت و اکثریت جامعه ایجاد کرده بود. پیوستگی سیاست‌های رژیم با غرب و متحد اصلی آن در خاورمیانه، اسرائیل، یکی از مواردی بود که مخالفان و سلطنت پهلوی را رویاروی هم قرار داده بود. شاید بتوان گفت مخالفت با اسرائیل وجه مشترک تمامی نیروهای مخالف رژیم از مذهبی و غیرمذهبی بود. بر همین اساس بسیاری از این نیروها با گروه‌های مبارز فلسطینی هم‌نوابی یا همکاری داشتند. عراق نیز به عنوان یکی از طرف‌های جنگ جدید در خاورمیانه، مرکز فعالیت بسیاری از مخالفان رژیم پهلوی بود. همچنین جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، علاوه بر مخالفت با غرب و اسرائیل، با رژیم پهلوی نیز در تعارض و تقابل قرار داشت. به این ترتیب ممکن بود جنگ شش‌روزه اعراب و رژیم صهیونیستی موجب آغاز مجدد فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مخالفان شود. به همین سبب همزمان با انتشار خبر آن، هیأت‌وزیران دولت امیرعباس هویدا در همان روز (پانزدهم خرداد) تشکیل جلسه داد. در این جلسه، تصویب شد که کمیته یا ستاد «اطلاعات و تبلیغات» به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نحوه انتشار اخبار این جنگ با حضور نمایندگان وزارتخانه‌های اطلاعات و جهانگردی، فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش و پست و تلگراف به همراه ساواک در وزارت اطلاعات و جهانگردی تشکیل شود.^۱ آنچه

به عنوان وظیفه کمیته با عنوان «ارزیابی خبر» و «هدایت افکار عمومی» آمده، نشان از بیم و هراس رژیم از فعالیت‌های تبلیغی مخالفان با بهره‌گیری از اخبار جنگ دارد. افزایش اعضای کمیته با ورود نمایندگان سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دیگر از خطری بودن وضعیت رسانه‌ای و فرهنگی جامعه در آن سال‌ها حکایت دارد. فضای جامعه پس از سرکوب قیام پانزدهم خرداد و سپس تبعید امام خمینی (ره) در سیزدهم آبان ۱۳۴۲ تا حدودی در کنترل امنیتی- پلیسی درآمده بود، اما این وضعیت، موقتی بود. نگرانی از چنین وضعی را می‌توان از طرح تفصیلی کمیته دریافت. به طوری که مواردی چون «توجیه افکار عمومی در جهات صحیح»، «تلاش مخصوص در حفظ آرامش عمومی و تقویت روحیه مردم»، «ارشاد مخصوص زمان اضطرار نسبت به مطبوعات و انتشارات»، «پیش‌بینی طرح مقابله احتمالی درقبال تبلیغات و انتشارات سوء کشورهای بیگانه» و... در زمره اهداف و وظایف کمیته آمده است. بعدها هدف کمیته به طور روشن‌تر مقابله با حوادث جامعه تعیین شد که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران رژیم بیمناک بوده‌اند حوادثی چون جنگ اعراب و اسرائیل آتش خفته اعتراضات را بار دیگر شعله‌ور سازد. از همین‌رو درباره هدف از تشکیل کمیته اطلاعات و تبلیغات - با نام بعدی «کمیسیون بررسی مسائل روز» - آمده است: «با استفاده از نظرات متخصصان و نمایندگان مطلع و مقاماتی که به نمایندگی از سازمان خود در این جلسه شرکت می‌جویند، بتوان به پیش‌باز وقایع و حوادث رفت و آمادگی کامل مقابله با آنها را داشت»^۱؛ همچنین کمیسیون وظیفه داشت به «نتیجه‌گیری هرچه بیشتر از انتشار اطلاعات و اخبار مربوط به مسائل روز و ایجاد هماهنگی در این مورد»^۲ بپردازد. به نظر می‌رسد رژیم پس از سرکوب‌های متعدد مخالفان، درصدد اعمال سیاست اقناع افکار عمومی از طریق کنترل رسانه‌ها و خطاهای به آنها بوده است. همچنین در روند حوادث اجتماعی سعی داشته است تا کنترل و اقناع را بیش و پیش از سیاست سرکوب به کار برد. البته این اقناع هم در بطن خود چیزی جز سرکوب نبود. چرا که سانسور و محدودیت، خود نوعی سرکوب در حوزه آزادی بیان و فردی است. بدین ترتیب کمیته اطلاعات و تبلیغات تنها به دوره جنگ شش‌روزه منحصر نشد و پس از آن هم به حیات خود ادامه داد. با این تفاوت که از ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ به «کمیسیون بررسی مسائل روز» تغییر نام داد. تغییر نامی که از توسعه گستره وظایف آن خبر می‌داد.

بر این مبنای فعالیت کمیسیون به مدت یک دهه ادامه یافت. شاید بتوان گفت کمیسیون در حوزه سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی این دوره نقشی فراتر از وزارت اطلاعات و جهانگردی و ساواک داشت. چراکه در این کمیسیون نمایندگان و مقاماتی فراتر از این دو نهاد در تصمیم‌گیری‌ها

۱. سند شماره ۱/۳.

۲. سند شماره ۲۵۷.

۳. سند شماره ۳۲۱.

مشارکت داشتند. چنانچه گفته شد، وظیفه کمیسیون بیشتر کنترل اخبار و اطلاعات و انتشار هدفمند آن در جامعه یا جلوگیری از انتشار آن بود. از همین رو بخش عمده کار کمیسیون نظارت بر مطالب کتب، نشریات، روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، رصد رادیوهای بیگانه و به عبارت دقیق‌تر، هر نوع رسانه بود. در واقع سانسور مطالب این رسانه‌ها و تلاش در جهت سیاستگذاری برای آنها هدف اصلی بود. تقریباً بدون استثناء در هر جلسه کمیسیون بحث ممیزی یا ممانعت از چاپ یا توزیع کتاب، مقاله، روزنامه، فیلم و... مطرح می‌شد. لبه تیغ تیز سانسور در وهله اول آثار روحانیان، علما و طیف مبارزان مذهبی و در رأس آن آثار حضرت امام (ره) را نشانه رفته بود. تا آنجا که نه تنها هیچ‌یک از آثار ایشان اجازه چاپ و توزیع نداشت،^۱ بلکه اشاره به نظرات صرفاً دینی معظم‌له در کتب دیگر هم ممنوع بود.^۲ حتی کار به جایی رسید که صرف اشاره به نام امام خمینی (ره) یا درج تصویر او در یک کتاب، سبب ممنوعیت چاپ و انتشار آن کتاب می‌شد.^۳

رژیم با آن که داعیه مذهب داشت و در برخی مواقع سعی در مقابله با مطالب ضدمذهبی می‌کرد، اما مقابله با مذهب بیون انقلابی در هر سطحی در دستور کار کمیسیون بود. به طوری که درخصوص مسائل مذهبی بسیار حساس بودند و نشریات مذهبی از جمله؛ مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام»،^۴ کاملاً زیر ذره‌بین قرار داشت به همین منوال سرودی تحت عنوان «سرود اسلامی»^۵ قابل نشر نبود یا گرایش خبرنگاران به علمای دین برای آنان ددرس‌ساز می‌شد و خطر اخراج آنان را از کار در پی داشت.^۶ همچنین مطبوعات را با می‌داشتند تا هر خطایی را که از یکی از علمای دین و معممین سر می‌زند، گزارش و منتشر کنند^۷ تا گرایش و اعتماد جامعه نسبت به این قشر، خدشه‌دار شود، در مقابل اما کوچک‌ترین انتقادی از رژیم در هر سطحی از آن پذیرفتنی نبود. با وجود چنین خط قرمزی، بدیهی است که نه تنها هیچ‌گونه انتقادی نسبت به ارکان و سیاست‌های رژیم پهلوی و بویژه شخص شاه و خاندان سلطنتی قابل طرح نبود، بلکه درج «بیانات شاهنشاه» نیاز به تأییدیه داشت^۸ و حتی کوچک‌ترین خدشه در «کیفیت چاپ عکس اعلی‌حضرتین» موجب برخورد «شدید» می‌شد.^۹ نشریه‌ای حق نداشت نام «شاهنشاه آریامهر» را

۱. سند شماره ۱۳.

۲. سند شماره ۱۱۲.

۳. سندهای شماره ۶۲۰، ۶۲۹، ۶۳۱ و...

۴. سندهای شماره ۲۶۱، ۳۹۹، ۵۸۷ و...

۵. سند شماره ۲۵۵.

۶. سند شماره ۱۶۵.

۷. سند شماره ۴۶۹.

۸. سند شماره ۲۵۱.

۹. سند شماره ۲۵۹.

ذکر کند^۱ و رسانه‌ها «تا قبل از صدور اعلامیه رسمی» مجاز به ذکر هیچ خبری درباره سفرهای شاه نبودند.^۲ همچنین نهاد سلطنت در نزد سیاستگذاران فرهنگی - اجتماعی حاضر در کمیسیون چنان قداستی یافته بود که صحبت از «خلع سلاطین» در سایر کشورها نیز ممنوع بود.^۳ علاوه بر آن که طرح مطالب انتقادی مستقیم و غیرمستقیم از رژیم و سیاست‌ها و ارکان آن ممنوع بود، نویسندگان مطالب در بعضی موارد با عواقب غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌شد. چنانچه مثلاً نویسنده مقاله‌ای انتقادی از ارتش، در جلسه کمیسیون شناسایی می‌شود و بحث «هدایت» او به «نیروی زمینی» مطرح می‌گردد.^۴ با چنین وضعیتی ناگفته پیداست، انتقاد از سیاست خارجی خارجی رژیم هم ورای خط قرمز قرار داشت. ممنوعیت انتقاد از سیاست خارجی حتی به ممنوعیت انتقاد از متحدان رژیم در صحنه بین‌الملل تسری یافت، به طوری که انتقاد از سیاست‌های آمریکا به هیچ وجه مجاز نبود! نگرانی از این بابت در جلسات کمیسیون کاملاً هویداست. بنابراین علاوه بر اینکه اخبار متضمن انتقاد از آمریکا در رابطه با جنگ ویتنام^۵ یا هرگونه ابراز تردید در موفقیت‌های آمریکا^۶ قابل طرح نبود، حتی اشاره به همجنس‌بازان در این کشور هم با «تذکر شدید به سرابیر» و «توبیخ و جریمه مسئول اخبار خارجی روزنامه»^۷ همراه بود!

چاپ و نشر کتاب‌های ضدصهیونیستی نیز از همین قاعده پیروی می‌کرد؛^۸ چنانکه از توزیع کتابی کتابی درباره یهودیانی که با وعده‌های رژیم اشغالگر قدس به آن کشور رفته و پشیمان بازگشته بودند، جلوگیری شد.^۹ همچنین به جرأید تذکر داده می‌شد که به بهانه جنگ اعراب و اسرائیل درباره «جهاد مسلمانان قلم فرسایی نمایند».^{۱۰} ضمن آنکه ستایش از نهضت مردم فلسطین نیز ممنوع بود.^{۱۱} در واقع مطالب روزنامه‌ها درباره اخبار خارجی بر اساس سیاست خارجی رژیم تنظیم می‌شد. از همین رو مقرر شده بود که درباره جمال عبدالناصر «جرأید همچنان مطالبی بنویسند»^{۱۲}

۱. سند شماره ۴۰۷.

۲. سند شماره ۲۳۸.

۳. سند شماره ۲۱۹.

۴. سند شماره ۲۵۴.

۵. سند شماره ۱۲۲.

۶. سند شماره ۲۷۲.

۷. سند شماره ۲۵۴.

۸. سند شماره ۵۲۱.

۹. سند شماره ۵۲۷.

۱۰. سند شماره ۵۵۶.

۱۱. سند شماره ۶۳۸.

۱۲. سند شماره ۹.

یا در مقاطعی درباره افغانستان «مطلقاً» مطلبی نیایست چاپ می‌شد.^۱ همچنین رابطه با عربستان ایجاب می‌کرد که کتب راجع به وهابیت اجازه انتشار نیابد.^۲ رسانه‌ها حتی در خصوص مناقشه چین و تایوان موظف به اجرای سیاست دولت در این باره بودند.^۳

نگرانی کمیسیون از نشر مطالب انتقادی، حکم ضرب‌المثل هراس مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید را داشت. این نگرانی‌ها با گسترش مخالفت‌ها و مبارزات ضد رژیم افزایش می‌یافت. به طوری که هر مطلبی مربوط به مناطق مختلف دنیا که به هر نحو یادآور سیاست‌ها و اقدامات رژیم بود، با تیغ سانسور مواجه می‌شد. بنابراین علاوه بر اینکه در «نشر اخبار مربوط به تظاهرات دانشجویان سایر کشورها» مراقبت می‌شد یا صحبت از چه‌گوارا کاملاً قدهن بود،^۴ انتقاد از عیدی عیدی امین، دیکتاتور اوگاندا، را نیز بر نمی‌تافتند.^۵ حتی اشاره به پیشرفت سایر کشورها هم خطرناک تشخیص داده شده بود^۶ و به جراید تذکر می‌دادند با توجه به سفر آپولو ۱۱ به ماه، آن را با وضع ایران مقایسه نکنند. در این راستا کتاب‌های علمی نیز از تیغ سانسور در امان نبودند.^۷ همچنین اخبار سازمانی مانند شهرداری، مشمول این باید و نبایدها بود و کار به جایی رسید که شهرداری طی بخشنامه‌ای اعلام کرد از درج اخبار مربوط به آن، قبل از مذاکره با آن سازمان خودداری شود.^۸

کمیسیون علاوه بر تلاش برای جلوگیری از نشر «مطالب مضره» سعی در تبیین خطامشی برای رسانه‌ها و به نوعی هدایت افکار عمومی داشت. لذا عملاً دستور داده می‌شد که درباره فلان موضوع در جراید بحث بشود یا نشود و به این منظور مقاله و مطالب از پیش آماده نیز در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گرفت. در همین باره به «اقدامات وزارت اطلاعات در راهنمایی چند نشریه» اشاره شده و اینکه «دو مقاله در زمینه هدایت کردن دانشجویان در اختیارشان قرار داده شده است»،^۹ یا رؤسای ادارات ذی‌ربط در شهرستان‌ها به تهران فراخوانده می‌شدند «تا تعلیمات لازم درباره نشریاتی که ممکن است دارای مطالب تحریک‌آمیز باشد» به آنان داده شود.^{۱۰} به مسئولین صفحات و ستون‌های روزنامه‌ها هم «راهنمایی‌های لازم» در جهت سیاست‌های دولت ابلاغ

۱. سند شماره ۴۴۵.

۲. سند شماره ۵۲۷.

۳. سند شماره ۵۰۵.

۴. سند شماره ۶۲۸.

۵. سند شماره ۶۲۳.

۶. سند شماره ۱۱۹.

۷. سند شماره ۱۹۵.

۸. سند شماره ۲۱۳.

۹. سند شماره ۱۴۱.

۱۰. سند شماره ۱۶.

۱۱. سند شماره ۳۲۱.

می‌شد.^۱ در این راستا، رسانه‌ها ملزم به تعریف و تمجید از سازمان‌های دولتی بوده یا در مناسبت‌های مختلف چون سالگرد کودتای ۲۸ مرداد (موسوم به قیام ملی)، ۲۵ شهریور، انقلاب سفید و ... بایستی ویژه‌نامه‌هایی تدارک می‌دیدند.^۲ حتی به برخی نشریات خارجی برای درج مطالبی درخصوص جشن‌های دو هزار و پانصدساله مبالغ هنگفتی پرداخت می‌شد.^۳ در چنین روندی که نشریات همسو با دولت به رنگین‌نامه‌هایی دولتی تبدیل شده بودند، برای بقای آنها کمک‌هایی می‌شد تا به دلیل نداشتن مخاطب تعطیل نشوند.^۴ همچنین مدیران این‌گونه نشریات را تشویق می‌کردند^۵ و برای اشاعه کتاب‌هایی مانند کتاب «پهلوی» که در تأیید سیاست‌های رژیم نوشته می‌شد حتی از تمهیداتی چون فروش اجباری به کارمندان دولت استفاده می‌کردند.^۶ برای کنترل و هدایت مطالب و نوشته‌ها، علاوه بر اینکه تمهیداتی در نظر گرفته می‌شد تا قبل از چاپ، مطالب رصد و در صورت لزوم پیش از انتشار از چاپ آن جلوگیری شود^۷ یا نوشته‌ها اصلاح^۸ اصلاح^۹ و تعویض^{۱۰} گردد، تلاش می‌شد با مذاکره، از خبرنگاران منتقد برای درج «مقالات مثبت و مملکتی استفاده به عمل آید».^{۱۱} همچنین مسئولین دانشکده‌ها موظف بودند تحت عنوان نوشتن مقدمه بر نشریات دانشجویی، آنها را قبل از چاپ رصد کنند.^{۱۲} در این میان یکی از نکات جالب، فراخواندن محرمانه‌خانی، سانسورچی معروف نشریات در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم، به خدمت است.^{۱۳}

در کنار این اقدامات، برای تنبیه و مجازات اصحاب رسانه و همسوکردن آنان با برنامه‌ها و اهداف رژیم، سیاست‌هایی در نظر گرفته شده بود که از «تذکر»، «تذکر شدید»، «کسر سهمیه آگهی»، «قطع آگهی»، «عدم انتشار مطالب روزنامه در برنامه‌های رادیو و تلویزیون» تا «لغو کارت خبرنگاری»، «جمع‌آوری روزنامه پس از توزیع توسط دست‌اندرکاران روزنامه»، «توقیف موقت»، «توقیف دائم»، «حبس» و... را در بر می‌گرفت. نکته جالب این‌که این‌گونه سخت‌گیری‌ها درباره نشریات مستهجن اعمال نمی‌شد. در حالی که به اعتراف خود اعضای کمیسیون، نشریاتی چون

۱. سند شماره ۱۲۳.

۲. سند شماره ۵۵۰.

۳. سند شماره ۵۰۰.

۴. سند شماره ۱۵۰.

۵. سند شماره ۱۵۳.

۶. سند شماره ۱۵۶.

۷. سند شماره ۱۲۶.

۸. سند شماره ۱۷۱.

۹. سند شماره ۲۰۱.

۱۰. سند شماره ۲۰۵.

۱۱. سند شماره ۵۲۱.

۱۲. سند شماره ۲۴۲.

«زن‌روز» و «اطلاعات بانوان» اکثر مطالب خلاف عفت عمومی انتشار می‌دهند،^۱ اما عملاً اقدامی برای تحدید آنها صورت نمی‌گرفت.

در مقابله با این وضعیت اما نویسندگان رسانه‌های مستقل با ترفندهایی از دام سانسور می‌گریختند و مطالب مورد نظر را به شیوه‌های مختلف منتشر می‌کردند. به عنوان مثال در جلسه مورخ سوم آذرماه ۱۳۴۸ از کتابی نام برده می‌شود که از حروف اول اشعار آن «خمینی پیروز است»، مستفاد می‌شود.^۲ یا برای رساله آیت‌الله خمینی (ره) با نام رساله آیت‌الله سیدمحمود شاهرودی از کتابخانه ملی اجازه چاپ گرفته سپس صفحه اول آن را تعویض می‌کنند.^۳ همچنین در جلسه مورخ ۱۳۵۲/۵/۲۱ مطرح می‌شود که ناشران، چاپخانه‌هایی را به عنوان محل چاپ کتاب‌ها ذکر می‌کنند که مجعول بوده و نمی‌توان کتاب مورد نظر را در آن یافت.^۴

اما به مرور با توجه به مباحثی که در رسانه‌ها مطرح می‌شد، حوزه دخالت کمیسیون در مسائل و موضوعات مختلف بسیار گسترش می‌یافت و تمامی شئون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را دربر می‌گرفت. بنابراین در جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز» از نحوه «نصب تمثال‌های اعلی‌حضرتین در اماکن عمومی»،^۵ هزینه مراسلات پستی،^۶ وضعیت تالارهای نمایش و موسیقی،^۷ قیمت بلیت سه‌ماهه،^۸ مبارزات دانشجویان ایرانی در خارج از کشور،^۹ حملات اشعار اشرار به مردم،^{۱۰} تصادفات جاده‌ای،^{۱۱} گرانی مایحتاج عمومی،^{۱۲} شیوع مواد مخدر بین دانشجویان^{۱۳} و... گرفته تا مزاحمت‌های خیابانی برای بانوان،^{۱۴} خوانندگی در مجالس،^{۱۵} نوع اشعار ارائه‌شده در کاباره‌ها و کافه‌ها،^{۱۶} شعارها و مطالبی که در دستشویی‌ها نوشته می‌شود^{۱۷} و حتی

۱. سند شماره ۱۷۷.

۲. سند شماره ۲۸۱.

۳. سند شماره ۴۵۹.

۴. سند شماره ۵۴۹.

۵. سند های شماره ۶۰۴ تا ۶۰۶.

۶. سند شماره ۵۴۷.

۷. سند شماره ۴۷۱.

۸. سند شماره ۴۳۹.

۹. سند شماره ۵۱۹.

۱۰. سند شماره ۳۱۷.

۱۱. سند شماره ۴۹۷.

۱۲. سند شماره ۴۷۴.

۱۳. سند شماره ۴۶۸.

۱۴. سند شماره ۵۲۳.

۱۵. سند شماره ۵۵۲.

۱۶. سند شماره ۴۴۱.

۱۷. سند شماره ۶۰۹.

حرفه‌ای شدن تیم فوتبال پرسپولیس^۱ و... بحث و تصمیم‌گیری می‌شد. کار به جایی رسید که کمیسیون به موضوعاتی چون کندن خیابان‌ها،^۲ نبودن پارکینگ در هتل‌ها،^۳ نقص فنی استادیوم استادیوم آزادی^۴ و... ورود پیدا کرد تا آنجا که این امر مورد اعتراض نخست‌وزیر هویدا، قرار گرفت.^۵

بحث توسعه شبکه‌های تلویزیونی یا نواقص و معایب صدا و تصویر فرستنده‌ها در اقصی نقاط کشور نیز از مباحث مورد توجه در اکثر جلسات بود. این دخالت‌ها موجب شد رضا قطبی، رئیس رادیو و تلویزیون وقت از اینکه جلسات کمیسیون تا این اندازه متوجه از کار افتادن یا نقص فنی فرستنده‌ها است، اظهار تعجب کند.^۶

باتوجه به غلبه مسائل مربوط به رسانه‌ها در جلسات کمیسیون، بالتبع مباحث صنفی مربوط به نویسندگان و خبرنگاران،^۷ بحث مربوط به کاغذ، واردات آن و...^۸ ساماندهی آگهی‌ها،^۹ تدوین آیین‌نامه برای تهیه صفحات گرافیکی،^{۱۰} مشکلات جامعه کتابفروشان و ناشران،^{۱۱} ساماندهی وضع کتابفروشان دوره‌گرد^{۱۲} و روزنامه‌فروشان،^{۱۳} دعوای حقوقی بین نویسنده و ناشر و مدیران جراید^{۱۴} و... نیز به کرات مطرح و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شد. لذا می‌توان گفت مباحث همین جلسات زمینه‌ساز تشکیل بسیاری از سازمان‌ها، تشکیلات و قوانین مربوط به چاپ و نشر، کتابفروشان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان شد. مثلاً درخصوص ضرورت تشکیل سازمان نشر کتاب^{۱۵}، تصمیم‌گیری می‌شد یا در خلال مباحث مربوط به رقابت روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در زمینه تیراژ، برای اولین بار بحث نظارت بر اعلام تیراژ صحیح نیز به میان می‌آمد.^{۱۶}

۱. سند شماره ۵۰۷.

۲. سند شماره ۲۸۷.

۳. سند شماره ۲۸۱.

۴. سند شماره ۴۳۹.

۵. سند شماره ۴۲۲.

۶. سند شماره ۵۵۷.

۷. سند های شماره ۵۰۶، ۵۱۷، ۵۵۰ و...

۸. سند شماره ۵۰۹.

۹. سند شماره ۵۳۹.

۱۰. سند شماره ۵۲۷.

۱۱. سند شماره ۵۵۹.

۱۲. سند شماره ۴۴۹.

۱۳. سند شماره ۵۰۲.

۱۴. سند شماره ۴۷۲.

۱۵. سند شماره ۳۹۵.

۱۶. سند شماره ۴۹۱.

با این اوصاف، در خلال مباحث مطرح شده در «کمیسیون بررسی مسائل روز» می‌توان به تصویری صریح و بی‌پرده از اوضاع جامعه پی برد. ضمن اینکه با توجه به تعیین خط‌مشی‌ها در خصوص مسائل مطرح شده، می‌توان سیاست‌های رژیم پهلوی را در بسیاری از مسائل جامعه دریافت که شاید در هیچ منبع دیگری به این صراحت و جزئیات یافت نشود. از خلال مباحث این جلسات مشخص می‌شود که عمده اشکالات و ضعف رژیم و سازمان‌های دولتی، چه بوده و بیشترین انتقادات رسانه‌ها متوجه چه موضوعاتی بوده است. این صورت‌جلسات تصویری روشن از شکاف میان حاکمیت با طبقات گوناگون اجتماع ارائه می‌دهد؛ شکافی که با آرامبخش‌های موقتی قابل رفع نبود. از همین رو این اسناد را نبایستی تنها منحصر به سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی و اقدامات آن رژیم برای سانسور مخالفان دانست.

آنچه آشکار است آن که جزئی‌ترین مسائل جامعه برای سیاست‌گزاران رژیم التهاب‌زا و موجب نگرانی بوده است. همچنین با توجه به سری بودن این جلسات و مباحث آن، بسیاری از مسائل مطرح شده فارغ از تبلیغات و مخفی‌کاری، به صراحت، پرده از ماهیت رژیم و کنه سیاست‌های آن برمی‌دارد. در این باره حاشیه‌ها و یادداشت‌های شخص نخست‌وزیر، هویدا، یا مقامات ذی‌ربط بر مصوبات جلسه هم میزان اهمیت امور و هم رویکرد رژیم به آنها را نشان می‌دهد.

کتاب حاضر مشتمل بر اسناد و صورت‌جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز» از جلسه هیأت دولت برای تشکیل این کمیسیون (مورخ ۱۳۴۶/۳/۱۵) تا آخرین جلسه کمیسیون (مورخ ۱۳۵۶/۳/۲) است. اولین صورت‌جلسه کمیسیون متعلق به تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۴ است و دقیقاً مشخص نیست که آیا قبل از آن جلسات کمیسیون تشکیل می‌شده یا خیر؟ چنانکه آمد، در جلسه مورخ ۱۳۵۰/۲/۲۸ نام آن رسماً به «کمیسیون بررسی مسائل روز» تغییر یافت. از تاریخ ۱۳۵۰/۳/۲ نیز مقرر شد جلسات، که تا قبل از آن به صورت روزانه برگزار می‌شد، هفته‌ای دوبار، روزهای یکشنبه و سه‌شنبه، تشکیل شود. در سال ۱۳۵۴ نیز جلسات به صورت ماهانه تشکیل می‌شد و طبق آخرین صورت‌جلسه باقی‌مانده از این کمیسیون (مورخ ۱۳۵۶/۳/۲) گویا با شدت گرفتن تحولاتی که منجر به سقوط رژیم شد و با توجه به اینکه عملاً بی‌اثر بودن تصمیمات کمیسیون برای «هدایت افکار عمومی» و «حفظ آرامش عمومی» به اثبات رسید، جلسات خودبه‌خود تعطیل گردید. نکته آن که کمیسیون با وجود اشراف بر نابسامانی‌های اجتماع و دردهای مردم سعی کرد توجیه‌گر وضع موجود باشد! توجیهاتی که بر آتش خشم زیر خاکستر جامعه بی‌محابا می‌دمید.

اکنون شاید دیگر نتوان از بسیاری از آثار فرهنگی و هنری که در آن جلسات درمورد آنها تصمیم گرفته شد، هیچ اثری یافت، چرا که به طرق مختلف امحاء شده‌اند. لذا می‌توان گفت این اسناد، تاریخ مقالات و آثار منتشر نشده و حرف‌های ناگفته است؛ تاریخ کتاب‌های خمیرشده و معدوم‌شده، مقاله‌ها و نوشته‌های حذف‌شده یا تقطیع شده و فیلم‌ها و نمایش‌های به نمایش در نیامده.

اسناد حاضر بخش اعظم صورت‌جلسات برگزار شده را در بر می‌گیرد، به استثنای بخشی از صورت‌جلسات که متأسفانه از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. از آن جمله مثلاً در سند شماره ۵۱۷ به تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۵۱/۹/۲۲ اشاره شده است، اما سند آن یافت نشد. باتوجه به آن که نسخه‌ای از صورت‌جلسات برای سازمان‌های دارای نماینده در کمیسیون فرستاده می‌شد، ممکن است این اسناد یافت‌نشده در آن سازمان‌ها موجود باشد. در بسیاری موارد هم به استناد صورت‌جلسات موجود، بعضی از جلسات بدون هماهنگی برگزار نشده است؛ چنانکه طبق سندهای ۴۹۸، ۴۲۱ و ۴۲۱/۲ به عدم برگزاری جلسات بدون هماهنگی قبلی اشاره رفته است. اهمیت این نسخه از صورت‌جلسات در این است که برای نخست‌وزیر ارسال شده و پی‌نوشت‌ها و دستورات او در واقع مشخص‌کننده سرنوشت برخی از سیاست‌ها و تصمیمات کمیسیون و به بیانی، حاکی از نوع نگاه رژیم نسبت به آنها است. باشد که انتشار این مجموعه زوایایی از سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی رژیم منحوس پهلوی را روشن سازد.

شهریار مرادی

سرپرست مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

بهمن ۱۳۹۱